



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۰۴

ف، هیرمند

حقوق سیاسی افغان های مقیم خارج منجمله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن

مردم وطن ما تا دو سه هفته دیگر در انتخابات اعضای ولسی جرگه شرکت خواهند کرد، شاید این انتخابات از همان انتخاباتی باشد که مردم ما در گذشته ها نظیر آنرا کمتر دیده و به خاطر داشته باشند. پرسشی مطرح است که مگر آیا افغان های مقیم خارج حق شرکت در انتخابات به شمول حق رأی دهی را دارا اند یا نه...؟ اگر مستحق این حق نیستند... چرا...؟ و اگر مستحق رأی دادن اند... به استناد کدام اصول و قوانین حایز این حق خواهند بود.

قبل از پرداختن به مسئله حقوق سیاسی افغان های مقیم خارج لازم است نکاتی ولو مختصر پیرامون حقوق سیاسی توضیح شود، به طور مؤجز حقوق سیاسی حاوی موارد آتی می باشد:

حقوق سیاسی شامل آن فعالیت ها، اقدامات، و روش های افراد خواهد بود که فرد را به نحوی در مسایل سیاسی کشور، زیدخل و ذیسهام گرداند، یعنی فرد حق مشارکت در اداره امور کشور را به نحوی احقاق نماید هر فعالیتی که فرد به منظور ایفای یک نقش سیاسی به عمل آورد، استناد آن بر حقوق سیاسی اش متکی خواهد بود، کار و مجادله به منظور کسب یک مقام سیاسی یک عمل سیاسی است، عمل و مساعی رسیدن به قدرت در حاکمیت یک کشور، یک فعل و عمل سیاسی است، شرکت در انتخابات به حیث نامزد و یا رأی دهنده نیز یک عمل سیاسی شمرده می شود، اما مشروط بر آن که فعالیت های سیاسی فرد موصوف در چوکات قوانین نافذ کشور مربوط مجاز دانسته شده باشد.

هر فعالیت سیاسی که فراتر و مناقض قوانین، به فعل درآید، خارج و یا خلاف حقوق سیاسی اش محسوب خواهد شد، مانند بر اندازی نظام، تحریک اتباع به خشونت و اغتشاش، تبلیغ و تعمیل مشی های خلاف تمامیت ارضی، تبلیغ، ترغیب و تشویق اتباع به جنگ و مبارزه فیزیکی میان شان، مرجح شمردن منافع دول خارجی نسبت به منافع کشور متبوع، از عمده های افعال سیاسی ممنوعه تقریباً درکشور ها، دول و نظام ها می باشند، که اساساً به عنوان یک فعالیت سیاسی نه بلکه در قوانین جزایی به حیث اعمال مجرمانه توصیف میگردند.

در عمل تشخیص و تعمیل حقوق سیاسی افراد بشری یک امر نسبی تلقی شده است؛ بدین معنی که دول متنوع و دارای نظام های متفاوت، استنباط های مختلفی از حقوق سیاسی را ارائه میدهند؛ یکی حقوق سیاسی اتباع اش را در حد تأیید بی چون چرای نظام حاکم مقید می سازد و متباقی هر حرکتی را توصیف جرمی داده و اتباع متخلف را به زندان و دار می فرستد. آن نظام دیگری حتی اغتشاش و بلوا، انارشی و نقض تمام عیار ارزش های مطروحه اش را تحمل میکند. و اما نظام های هم اند که با دقت و تدبیر، حقوق سیاسی اتباع خود را در چوکات نظم و قانون انسجام میدهند، نه اتباع شان را مجبور به قبول افکار و افعال خویش می سازند و نه فرصت را برای اجرای بی نظمی و انارشی فراهم می نمایند.

جای تذکر جدی است که حقوق سیاسی از زمره حقوق خیلی بااهمیت افراد شمرده می شود و نقض آن از سوی مقامات دول معنی زیرپا کردن یکی از حقوق عمده اتباع اش را میدهد.

حقوق سیاسی مروج و معمول مندرج در اسناد حقوق بشری بین المللی که تقریباً در تمام کشور های دموکراتیک در مجموعه حقوق سیاسی اتباع پذیرفته شده است، سهم گیری در اداره امور سیاسی کشور، شامل حق انتخاب کردن، حق انتخاب شدن (حق کاندید کردن خود)، یا حق شرکت در انتخابات، حق انتقاد از فعالیت های سیاسی دولت، یا استفاده از حق آزادی بیان، حق مخالفت قانونی با پروژه های حکمروایان و احزاب سیاسی، حق تشکیل سازمان های سیاسی از طریق حق تشکیل سازمان دادن ارگان های اجتماعی و... این ها از عمده های حقوق سیاسی شمرده می شوند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

حقوق سیاسی مروج و معمول معیاری به طور صریح و ضمنی در مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۸ و بعضی از مواد دیگر اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸)، ثبت می باشد. همچنان حقوق سیاسی انسان ها در مواد ۲۵، ۲۶ و بعضی مواد دیگر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دسامبر ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد نیز تصریح، تشریح و تسجیل شده است، فشرده محتوای مواد مورد نظر نامبرده این است که تمام انسان ها، بدون تبعیض از حقوق سیاسی برخوردار می باشند و هیچ نوع تفاوت و تنوعی باعث انقضاء و اختلال این حق شده نمی تواند، افراد محکوم به مجازات یا زندانیان - که به حکم محکمه ذیصلاح به سلب حقوق سیاسی محکوم نه شده باشند - از این حق سیاسی خود بهره مند میگردند و دارای حق رأی دهی می باشند.

در کشور ما وقتی از حقوق سیاسی افغان های مقیم خارج حرف می زنیم، باید به این اصل که افغان های برون مرزی آیا تا حال تابعیت افغانی شان را حفظ کرده اند و یا خیر...، عطف توجه نماییم، زیرا فقط اتباع افغان اند که مشمول حق شرکت در انتخابات آن کشور میگردند.

بر اساس متون قوانین افغانستان به طور غیر مستقیم، تابعیت دوگانه و یا چند گانه برای اتباع افغانستان پذیرفته شده است، پذیرش حق تابعیت چندگانه از این جهت مهم است که "حقوق سیاسی" اصولاً جزئی از حقوق تابعیت شمرده می شود، گرچه اتباع بیگانه در سرزمین های خارج کشور ایشان نیز حقوق سیاسی دارند، اما این حقوق سیاسی به طور محدود اجازه تمثیل می یابد، به این معنی که اتباع بیگانه در یک کشور می توانند، پیرامون امور کشور متبوع خود فعالیت های قانونی سیاسی بنمایند، قانونیت این فعالیت ها بر اساس قوانین کشور مقیم محاسبه می شود، اما این تبعه خارجی - تا زمانی که به تابعیت کشور مقیم پذیرفته نه شده باشد - حق سیاست کردن را که ناظر بر امور سیاسی کشور مقیم باشد نه خواهد داشت.

افرادی که دارای تابعیت دوگانه باشند، بدون هیچگونه تردیدی، تمام حقوق شان، منجمله حقوق سیاسی شان برای آنان محفوظ است، یعنی همانند سایر حقوق بشری و قانونی شان از حقوق سیاسی نیز بهره مند می باشند.

قانون اساسی سال ۱۳۸۲ ه ش یا ۲۰۰۴ م نافذ کشور ما افغانستان در ماده هفت خود تمام اسناد بنیادی حقوق بشر که مؤید حقوق سیاسی انسان می باشد را به طور کامل و بدون قید و شرطی پذیرفته و رعایت آنها را ذمه زده است. ماده بیست و دوم قانون اساسی ما مشعر است که: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشند.»

ماده سی و سوم قانون اساسی می گوید: «اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن را دارا می باشند.

شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم میگردد.»

ماده پنج قانون انتخابات سال ۱۳۹۵ ه ش در باره حق شرکت در انتخابات و چگونگی آن چنین مشعر است:

حق شرکت در انتخابات، ماده پنج:

(۱) تبعه واجد شرایط رأی دهی اعم از زن و مرد حق دارد، به حیث رأی دهنده یا کاندید ثبت نام نموده و در انتخابات شرکت نماید

(۲) هرگاه تبعه مندرج فقره (۱) از حق ثبت نام و یا حق انتخاب کردن و یا انتخاب شدن محروم گردد، حق دارد به مرجع ذیصلاح مربوطه شکایت نماید.

(۳) هر رأی دهنده حق دارد به یک مرکز رأی دهی جهت استعمال رأی خود دسترسی داشته باشد

(۴) رأی دهندگان واجد شرایط، در انتخابات دارای حق رأی مساوی بوده به صورت مستقیم از آن استفاده می کنند.

هر نوع محدودیت مستقیم و یا غیر مستقیم برای رأی دهندگان و کاندیدان بر اساس زبان، مذهب، قوم، جنس، قبیله، سمت، سکونت و موقف اجتماعی و یا وظیفوی و یا معلولیت ممنوع می باشد.

(۵) کوچی ها، مهاجرین، اهل هنود و سکه و کارکنان نمایندگی های سیاسی مقیم خارج، مریضان شفاخانه ها، منسوبین نظامی و محبوسین واجد شرایط، حق دارند در صورت امکان در مراکز رأی دهی جداگانه ای که از طرف کمیسیون ایجاد میگردد، در انتخابات شرکت نمایند.»

کلیات مفاهیم این ماده قانون انتخابات حاوی مواردی قاطع و صریح است که همه افغان های واجد شرایط حق رأی دهی دارند و محل سکونت هم مانع اختلال و انقضای این حق شده نمی تواند و تبعیض نیز بر اساس ماده بیست و دوم قانون اساسی ممنوع می باشد، پس افغان های مقیم خارج چرا حق رأی دهی نداشته باشند

وقتی به متن قانون انتخابات نگاه میکنیم، در ماده پنج آن از افغان های مقیم خارج نامی گرفته نه شده است، بلکه صرف به تذکر "مهاجرین" و "کارکنان نمایندگی های سیاسی در خارج" اکتفاء گردیده است. کلمه "مهاجرین" به همان افغان های مقیم پاکستان و ایران تعبیر و اطلاق می شود و سایر افغان های مقیم خارج در این ماده صراحت ندارد، ولی در کلمه عام "اتباع افغانستان" که هم در ماده سی و سوم قانون اساسی افغانستان و نیز در ماده پنج قانون انتخابات یا به صیغه مفرد و یا جمع ذکر گردیده، در آن، افغان های مقیم خارج نیز شامل می باشند، گرچه در ماده پنج قانون انتخابات اصطلاح "تبعه واجد شرایط" درج گردیده است، این شرایط شامل سن قانونی و سایر

مشخصه های فردی می شود که در قانون قید گردیده و مناقض شرط اساسی که تبعه بودن افغانستان باشد، بوده نمی تواند، به این تفسیر که جمله و سطر اول ماده سی و سوم قانون اساسی، شرط اساسی حق شرکت در انتخابات را معین نموده است و تفسیر و یا قانونی که برطبق سطر دوم این ماده وضع و انفاذ میگردد نمی تواند مغایر و متضاد سطر اولی باشد، این بدین معنی است که قانون انتخابات در هیچ یک از مواد خود نمی تواند حق شرکت در انتخابات اتباع افغانستان - منجمله اتباع افغان مقیم خارج - را زیر پا کند.

اما قانونگذاران قانون انتخابات در حق افغان های مقیم خارج زیاد وفا نه نموده اند و از ذکر صریح و واضح حق شرکت در انتخابات افغان های مقیم خارج در متن قانون اجتناب کرده اند افغان های که شاید تعداد واجد شرایط شرکت در انتخابات، در میان شان بیشتر از صد ها هزار تن باشد، نقض حقوق سیاسی این تعداد و فرزندان شان یک تصمیم لااقل منصفانه نمی باشد.

این درست است که افغان های مقیم خارج عملاً در وقایع سیاسی کشور حضور ندارند، ولی این دلیل به معنی عدم وابستگی و عدم دلچسپی آنان به سرنوشت کشور شان نمی باشد، تمام این افغان ها به سبب بدی حادثه، بی امنیتی و جنگ به دگر کشور ها متواری، مهاجر و مقیم گردیده اند و از دسترسی به سهم گیری سیاسی در امور کشور شان محروم شده اند. باید متذکر شد که اگر نبود حضور در وقایع سیاسی کشور دلیل نادیده گرفتن حق شرکت در انتخابات باشد، افغان های مهاجر مقیم ایران و پاکستان هم عملاً در رویداد های داخل حضور ندارند و کدام تحرک حضوری در کشور، از ایشان به عمل آمده نمی تواند.

و باز در جهان، پیرامون رعایت و تحقق حقوق سیاسی اتباع کشور ها منجمله حق شرکت در انتخابات، معمول بر این است که اتباع شان در خارج، به نمایندگی های سیاسی ممالک در خارج، در وقت و روز معین حضور به هم رسانیده و حق رأی دهی خویش را تحقق می بخشند؛ فرانسوی ها، الجزایری ها، امریکایی ها و... که در خارج از کشور های شان کار و زندگی می نمایند، حق سیاسی شان مبنی بر شرکت در انتخابات را به همین صورت در عمل پیاده میکنند.

نظام های عقب مانده، مستبد، خود کامه و ضد حقوق سیاسی مردم و ضد دموکراتیزه کردن امور سیاسی در وطن ما، چنان حقوق سیاسی مردم ما را در همکوبیده بودند که آنان تا حال استفاده از این حق را یک پدیده لوکس و بخشش قدرتمندان میدانند و به داشتن حقوق سیاسی شان چندان باورمند نیز نیستند. این تفکر و فرهنگ ضد حقوق سیاسی مردم در نظام ها و افرادی که در مراجع مربوط آن راه پیدا کرده اند، به چشم می خورد، نشان انگشت فرهنگ نامبرده در قوانین کشور ما هم حس می شود، این فرهنگ منحوس اثرات ناگواری بر شناخت ما از حقوق سیاسی نیز بجا گذاشته است،

شرکت در انتخابات و دادن رأی یکی از طرق پیشرفته و معمول در فعالیت های سیاسی و امور دموکراتیک است، گرچه در گذشته ها سهم گیری در انتخابات نزد برخی مورد رد کامل قرار میگرفت و سهم گیری در آن کار مناسبی تلقی نمی گردید، پسان ها و حالا معلوم گردید که چقدر خوب می بود اگر در جامعه ما افرادی زیادی می داشتیم که آگاهی و تجربه کافی و به درد بخور در امور فعالیت های دموکراتیک می داشت تا همان تجارب زنده ایشان امروز، قاعده مستحکمی برای تلاش های کنونی در عرصه فعالیت های دموکراتیک به کار گرفته می شد، بخصوص که فعالیت ها و روش های فرا دموکراتیک اگر مورد پذیرش مردم نباشد و شرایط هم اجازه و امکان عمل کرد آنها نه دهد، پس راه فعالیت دموکراتیک تقریباً عرصه واحد خدمت به مردم خواهد ماند.

یکی از طرق سهم گیری در فعالیت های دموکراتیک، همان اشتراک در عمل سیاسی انتخابات است، ما که افغان های مقیم خارج هستیم، برای شرکت کردن در انتخابات و رأی گرفتن و رأی دادن باید از حقوق سیاسی خود مینی بر داشتن حق رأی مجادله و حمایت کنیم، ممکن است عده ای از هموطنان ما بگویند که در انتخابات جعل صورت میگیرد، انتخابات کذابی است، رأی ما هیچ نقش مهمی در نتیجه انتخابات بازی نه خواهد کرد، یا حیف آ رای ما که در این لجن ساختگی فرو بریزد و....

ممکن است مواردی از این حدسیات قرین به واقعیت باشد، اما فعلاً در دفاع و بدست آوردن حق شرکت در انتخابات و داشتن حق رأی باید سهم گرفت، تا این حق برای نسل های بعدی ما به جا بماند برای خود ما همانند یک پاسپورت تصور کنیم اگر خواستیم با آن در "ولایت انتخابات" مسافرت نماییم و اگر نه خواستیم هم حقی را مسلم نموده ایم و در ازای آن چیزی را از دست نه داده ایم

اثر وخیم دیگر غیابت افغان های مقیم خارج در عمل مهم سیاسی شرکت در انتخابات این است که حذف نقش کامل و فزیزی افغان های مقیم خارج در مسایل سیاسی کشور شان را در عقب با خود حمل می نماید، عده ای شاید به همین غرض، از سهم گیری مشروع، انسانی و قانونی افغان های مقیم خارج در انتخابات ممانعت و جلو گیری نموده باشند، این نکته را بخصوص آن دوستانی که به شرکت افغان های مقیم خارج در انتخابات کم بها میدهند، باید در نظر داشته باشند.

حتی اگر این دلایل و استدلال هم نادیده گرفته شود، حقوق سیاسی افغان ها که در اسناد حقوقی بشری و قانون اساسی مملکت ثبت و درج گردیده است، غیر قابل انکار و غیر قابل تردید می باشد.

مراجع ذیصلاح و مؤلف به احقاق حق شرکت در رأی دهی افغان های مقیم خارج به کتگوری های آتی و پیشنهادات مربوط به هر گروه - اگر لازم بدانند - لطفاً توجه بفرمایند:
افغان های مقیم خارج (به استثنای مهاجرین مقیم ایران و پاکستان) که در ماده پنجم قانون انتخابات از آنها نام برده نه شده است لااقل شامل گروه های ذیل خواهند گردید:

- ۱ افغان های که دارای دو تابعیت اند و طبق قانون انتخابات افغانستان واجد شرایط رأی دهی می باشند، بتوانند در نزدیکترین نمایندگی سیاسی و قونسل وطن ما بعد از ثبت آتی - به رویت پاسپورت افغانی، تذکره و یا سند ملکیت غیر منقول در خاک وطن ما، به تحقق حق رأی دهی خود نائل آیند.
 - ۲ افغان های مقیم خارج که در هر نقطه ای از جهان باشند خویش را به نمایندگی های افغانی که نزدیک شان می باشد، رسانیده و با اثبات مؤثق هویت خویش - به تأیید و تصدیق نمایندگی سیاسی افغانستان - از حق رأی دهی خود مستفید گردند.
 - ۳ بدون شک افغان های که تاحال تابعیت کدام کشور دیگر را کسب نکرده اند و اجازه اقامت در کدام مملکت را دارا هستند به رویت اسناد هویتی مؤثق در رأی گیری حق شرکت را دارا خواهند بود.
 - ۴ افغان های که میان چند کشور سرگردان اند و اجازه اقامت هیچ کشوری را ندارند، با تصدیق و تثبیت هویت شان بتوانند در رأی دهی شرکت کنند.
 - ۵ البته بدون شک، تجارب کمیسیون محترم مستقل انتخابات افغانستان و وزارت عودت مهاجرین و سایر وزارت ها نسبت به پیشنهادات این مقاله، ارجحیت و اعتبار اولی دارد مشروط بر آن که حق رأی دهی کدام هموطن ما نقض نه شود و استفاده از تجارب شان باعث اجرای صریح حق رأی دهی افغان های مقیم خارج گردد.
 - ۶ افغان های که تابعیت کشور مقیم را به شرط انصراف از تابعیت کشور متبوع خود پذیرفته اند، اصولاً حق شرکت در انتخابات افغانستان را نه خواهند داشت.
- پیشنهاد این قلم چنان است که تمام انجمن های حقوقی متعلق به افغان ها، انجمن های مدنی و اجتماعی افغان های سرتاسر جهان، بنیاد های کمک افغانی به حقوق افغان ها، و تمام نهاد های افغانی از داعیه دفاع از حقوق سیاسی شان مبنی بر حق شرکت در انتخابات را مطرح کنند و مراجع مسؤول و سازمان های دفاع از حقوق بشری را متوجه این امر بسازند تا مگر حاکمیت در افغانستان، نقش افغان های مقیم خارج در مسایل سیاسی کشور شان را بپذیرند و فرصت های لازم و قانونی را جهت اشتراک در انتخابات و رأی دهی برای آنان فراهم نمایند.

پایان